

نفت، ژئواکونومیک و آینده منطقه خلیج فارس

حسین ربیعی *

چکیده

منطقه خلیج فارس، یکی از مهمترین مناطق صاحب منابع انرژی دنیاست، که نقش بسیار مهمی در معادلات انرژی جهان دارد. در سه دهه اخیر، این منطقه نابسامانیهای فراوانی را متحمل شده و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دستخوش تحولات فراوانی شده است. تحولات منابع انرژی و نفتی این منطقه، از جمله مسایلی است که در تحولات آینده دنیا نقش فراوانی خواهد داشت. علاوه بر آن، با توجه به رقابت کشورهای قدرتمند پیرامون نفت، این منطقه که نقش بسیار مهمی در معادلات ژئوپلیتیک آینده جهان دارد، دستخوش تحولات فراوانی است. در این مقاله، با مروری بر منابع انرژی منطقه و بخصوص اوضاع میدانیهای نفت، تحولات ژئواکونومیک منطقه مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، بحث شده است که با کاهش ذخایر نفت جهان، تا هنگامی که منطقه خلیج فارس همچنان دارای منابع انرژی باشد، رقابت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک قدرتهای بزرگ جهانی در این منطقه ادامه خواهد داشت و مشکلاتی برای کشورهای منطقه پدید خواهد آورد. واقعگرایی در روابط بین الملل، ایجاب می کند که کشورهای منطقه از جمله ایران، بانگاهی منطقی و واقع بینانه، مسایل منطقه را دنبال کنند و سیاست خارجی و داخلی خود را، با در نظر گرفتن این مهم، به پیش برند.

پیشگفتار

بی بدیلی پیدا کرده است، موضوع اقتصاد و دستیابی به بازارهای اقتصادی جهان برای افزایش منافع اقتصادی؛ از طریق خرید، فروش، سرمایه گذاری و... است. به عبارت دیگر، اقتصاد به عنوان ابزار اصلی تثبیت قدرت دولتها در صحنه بین المللی، مطرح شده است. بنابراین، می توان گفت که در قرن بیست و یکم، سرمایه گذاری همان کاری خواهد کرد که قدرت نظامی قادر به انجام آن بوده است. در تفکرات ژئواکونومیک، نفوذور خنده در بازارها،

امروزه، نقش بزرگ عوامل اقتصادی در تصمیمگیری های سیاسی، در معادلات قدرت جهانی آشکار شده است. ژئواکونومیک؛ علمی است که اثر گذاری عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه بی یا جهانی را در تصمیمگیری های سیاسی مورد بررسی قرار می دهد. به نظر می رسد؛ آنچه در تفکرات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جدید اهمیت

۲۰۰۴؛ بخوبی مشخص می‌شود:

۲- منابع انرژی منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس، جایگاهی برجسته در بازار انرژی جهان دارد. چهار کشور نخست تولید کننده نفت جهان، در این منطقه قرار دارند. ۶۴٪ ذخایر تثبیت شده نفت، در خاورمیانه است و عربستان به تنهایی، نزدیک به ۲۵٪ از ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. گذشته از آن، بزرگترین میدانهای نفتی جهان در این منطقه قرار دارد و پیش بینی می‌شود که سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت، از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۴۰/۹ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش یابد (بهجت، ۱۳۷۸: ۱۷۰). ضمن آنکه، پیش بینی شده است که در سال ۲۰۲۰، میزان واردات جهانی نفت در حدود ۷۰/۹ میلیون بشکه در روز باشد. در حال حاضر، روزانه در حدود ۱۴ میلیون بشکه نفت تنها از طریق تنگه هرمز به بازارهای جهانی صادر می‌شود. علاوه بر این، کشورهای اصلی عضو اوپک - که کنترل اوپک را در اختیار دارند - در این منطقه قرار دارد. بی‌گمان، لشکر کشیهای چند سال اخیر به خاورمیانه؛ به بهانه تروریسم و حقوق بشر، ریشه در نیازمندیهای انرژی دنیا

○ با کاهش ذخایر نفت جهان، تاهنگامی که منطقه خلیج فارس همچنان دارای منابع انرژی باشد، رقابت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک قدرتهای بزرگ جهانی در این منطقه ادامه خواهد داشت و مشکلاتی برای کشورهای منطقه پدید خواهد آورد. واقعگرایی در روابط بین الملل، ایجاب می‌کند که کشورهای منطقه از جمله ایران، با نگاهی منطقی و واقع بینانه، مسایل منطقه را دنبال کنند و سیاست خارجی و داخلی خود را، با در نظر گرفتن این مهم، به پیش برند.

جایگزین بایگهای نظامی خارج از کشور قدرتهای بزرگ می‌شود (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰۸). این همان اهمیت یافتن ژئواکونومیک در دوران ماست. در تفکرات ژئواکونومیک جدید؛ هرروزه رقابتهای مختلفی برای رسیدن به مرحله بالاتر ظهور می‌یابد. در قرن بیست و یکم، قدرت اقتصادی در بالاترین سطح به عنوان یک ابزار سیاسی، در دست دولتهایی خواهد بود که شکاف اساسی و اصولی با گذشته دارند و روند تغییرات را درک کنند.

در فضای جدید جهان، ژئواکونومیک رهیافت بی نظیری برای فهم و درک مسایل بین المللی است. اما، آیا تحولات منطقه خلیج فارس نیز تحت تأثیر عوامل اقتصادی است؟ و اگر چنین است، چه سرنوشتی در انتظار منطقه خواهد بود؟ با توجه به اهمیت منابع انرژی منطقه خاورمیانه، بویژه حوزه خلیج فارس؛ به علت در اختیار داشتن فزون بر ۶۰ درصد منابع مولد انرژی، برخی بر آنند که در حال حاضر، نه تنها هارتلند (Heart Land) به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته، بلکه، از محل قدیمی آن به سمت جنوب حرکت کرده است و در میان دو دریای مازندران و خلیج فارس - جایی که جفری کمپ ژئوپلیتیسین آمریکایی؛ آن را بیضی استراتژیک انرژی نام نهاده - جای گرفته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۵). تحولاتی که در دهه‌ها و سالهای اخیر در منطقه خاورمیانه رخ داده، این باور را تقویت می‌کند که در پشت این حوادث تلخ، اهداف اقتصادی قدرتها، بویژه دستیابی به منابع بی نظیر انرژی منطقه نهفته است. در این مقاله؛ با بررسی تحولات اقتصادی و انرژی منطقه و با بررسی ذخایر و منابع منطقه خلیج فارس، روابط اقتصادی کشورهای منطقه با قدرتهای فرامنطقه‌یی، آینده این منابع و نقش آنها در مناسبات منطقه خلیج فارس، مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱- جغرافیای نفت جهان

جغرافیای جهانی نفت؛ با نقاط مازاد و کمبود تعریف می‌شود. در حالی که، خاورمیانه بزرگترین ذخایر نفت را دارد (۱۷ و ۳ M.bd)، آسیای شرقی، آمریکای شمالی و اروپای غربی؛ همگی به ترتیب، دچار کسری (۹، ۱۲ و ۱۳، ۱۳ M.bd) هستند (Rodrigue, 2004, 5). این مسأله، با نگاهی به نقشه جریانات نفتی عمده در سال

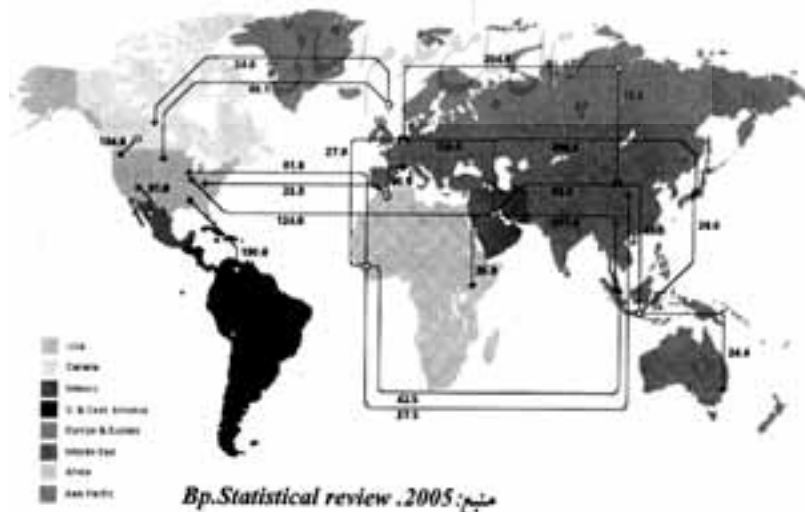
قرن ۲۱، منطقه خلیج فارس در حدود ۷ برابر حوزه کاراییب نفت داشته و تنها کشور عراق به تنهایی به اندازه حوزه کاراییب در تأمین انرژی ایالات متحده نقش خواهد داشت. آشکار است که این نقش بی نظیر خلیج فارس، این منطقه را در زمره منافع حیاتی ایالات متحده قرار می دهد. پیش بینی شده است که تا سال ۲۰۲۰، منطقه خاور میانه و بخصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس، ۴۴/۶ میلیون بشکه در روز نفت به کشورهای دیگر دنیا صادر کنند. همچنین، در طی این سالها، تولید گاز این منطقه با رشدی معادل ۴/۵ درصد، به ۱۶/۱ تریلیون فوت مکعب برسد (World Energy Outlook, 1998, pp 3-13) دنیا در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۲۰، به شرح جدول (۳) است:

جدول فوق، به خوبی گویای اهمیت منطقه خاور میانه و بویژه خلیج فارس است. در طول سالهای مورد بررسی، خلیج فارس همواره نخستین تولیدکننده نفت جهان بوده است. تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس، به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد، جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبه رو خواهد بود. چنین تخمین زده می شود که تا سال ۲۰۱۰، از

○ منطقه خلیج فارس، جایگاهی برجسته در بازار انرژی جهان دارد. چهار کشور نخست تولید کننده نفت جهان، در این منطقه قرار دارند. ۶۴٪ ذخایر تثبیت شده نفت، در خاور میانه است و عربستان به تنهایی، نزدیک به ۲۵٪ از ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. گذشته از آن، بزرگترین میدانهای نفتی جهان در این منطقه قرار دارد و پیش بینی می شود که سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت، از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۴۰/۹ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش یابد.

دارد و باید در هر تحلیل ژئوپلیتیک از منطقه جنوب غرب آسیا، مورد توجه قرار گیرد. در جدول شماره (۲)، مقدار واردات نفت ایالات متحده آمریکا و کل دنیا، در سالهای آینده از مناطق مختلف دنیا و در جدول شماره (۳)، حجم تولید نفت منطقه خاور میانه در دهه ۹۰ و پیش بینی آن برای سال ۲۰۲۰ میلادی آمده است. جدول ۲ نشاندهنده این است که در دو دهه آغازین

جدول شماره ۱: جریانات عمده نفت در دنیا (میزان جابجایی به میلیون تن در روز است)



جدول ۱- مصرف نفت کشورهای عمده صنعتی جهان در ده سال اخیر

هزار بشکه در روز

کشور	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	سهم مصرف در سال ۲۰۰۴ (درصد)
آلمان	۲۸۸۰	۲۸۸۲	۲۹۲۱	۲۹۱۳	۲۹۱۵	۲۸۲۴	۲۷۶۳	۲۸۰۴	۲۷۱۴	۲۶۶۴	۲۶۲۵	۳/۳
ایالات متحده	۱۷۷۱۹	۱۷۷۲۵	۱۸۳۰۹	۱۸۶۲۱	۱۸۹۱۷	۱۹۵۱۹	۱۹۷۰۱	۱۹۶۴۹	۱۹۷۶۱	۲۰۰۳۳	۲۰۵۱۷	۲۵/۴
ایتالیا	۱۹۲۰	۱۹۸۷	۱۹۵۶	۱۹۶۹	۱۹۷۴	۱۹۸۰	۱۹۵۶	۱۹۴۶	۱۹۴۳	۱۹۲۷	۱۸۷۱	۲/۳
چین	۳۱۴۵	۳۳۹۰	۳۶۷۲	۳۹۳۵	۴۰۴۷	۴۴۱۶	۴۹۸۵	۵۰۳۰	۵۳۷۹	۵۷۹۱	۶۶۸۴	۸/۳
روسیه	۳۲۶۷	۲۹۳۴	۲۶۰۶	۲۵۹۳	۲۴۸۴	۲۵۳۴	۲۴۷۴	۲۴۵۶	۲۴۸۰	۲۵۰۳	۲۵۷۴	۳/۲
ژاپن	۵۷۴۶	۵۷۸۴	۵۸۱۳	۵۷۶۲	۵۵۲۵	۵۶۱۸	۵۵۷۷	۵۴۳۵	۵۳۵۹	۵۴۵۵	۵۲۸۸	۶/۵
فرانسه	۱۸۷۸	۱۸۹۳	۱۹۳۰	۱۹۴۸	۲۰۱۶	۲۰۴۴	۲۰۰۷	۲۰۲۳	۱۹۶۷	۱۹۶۵	۱۹۷۵	۲/۴
کانادا	۱۷۴۲	۱۷۷۶	۱۸۱۸	۱۸۸۸	۱۹۱۳	۱۹۲۶	۱۹۳۷	۲۰۲۳	۲۰۶۷	۲۱۳۱	۲۲۰۶	۲/۷
هند	۱۴۱۳	۱۵۸۰	۱۷۰۰	۱۸۲۸	۱۹۶۳	۲۱۳۴	۲۲۵۴	۲۲۸۴	۲۳۷۴	۲۴۲۰	۲۵۵۵	۳/۲
کل جهان	۶۸۲۱۹	۶۹۳۴۶	۷۰۸۶۹	۷۲۷۸۶	۷۳۲۳۲	۷۴۸۴۷	۷۵۷۵۱	۷۶۲۵۲	۷۷۰۴۶	۷۸۲۹۴	۸۰۷۵۷	۱۰۰/۰

مأخذ: Bp. Statistical review. 2005

۱-۲- تحولات اقتصادی و ژئواکونومیک
خلیج فارس در سالهای اخیر

در سه دهه اخیر، منطقه خلیج فارس دگرگونیهای فراوانی را به خود دیده است. انقلاب اسلامی ایران، که به فروپاشی یکی از مهمترین حکومتهای طرفدار غرب در منطقه انجامید، سرآغازی بود بر شماری از دگرگونیهایی که در نهایت به حمله آمریکا به افغانستان و عراق ختم شده و مسایل فراوانی را ایجاد کرد. حمله عراق به ایران- که با

تولیدکنندگان نفت خلیج فارس خواسته خواهد شد که بین چهل تا چهل و پنج میلیون بشکه در روز نفت تولید کنند (کمپ، ج ۱؛ ۱۳۸۳: ۱۸۶).

افزایش تقاضای جهانی انرژی در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ بخوبی جایگاه منطقه خلیج فارس را در استراتژیهای اقتصادی آینده دنیا مشخص می کند. در پانزده سال آینده، تقاضای جهانی انرژی دنیا، به اندازه بی سابقه بی افزایش خواهد یافت: انتظار می رود که این رقم، بین ۳۴ تا ۴۶ درصد در سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰ افزایش یابد. همچنین، تقاضای جهانی برای نفت، همراه با این انتظارات افزایش خواهد یافت و برآوردها چنین نشان می دهد که از ۷۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۵، به ۹۲ تا ۹۷ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ افزایش یابد (کمپ، ۱۳۸۳: ج ۱: ۱۸۵). بنابر ارقام جدول (۵)، منطقه خلیج فارس در آینده بیشترین میزان نفت تولیدی جهان را عرضه خواهد کرد. این در حالی است که در سالهای آینده، بسیاری از منابع انرژی دنیا در مناطق مختلف به پایان می رسد و نقش خود را در تأمین انرژی دنیا، از دست می دهند.

نمودارهای (۲) و (۳) نیز، مقدار ذخایر تثبیت شده نفت جهان و تقاضای نفت در سالهای آینده را بخوبی نشان می دهد. این نمودارها بخوبی بیانگر نقش بی بدیل منطقه خلیج فارس در تأمین انرژی دنیاست.

○ پس از رویدادهای یازده سپتامبر و آغاز حملات ایالات متحده به افغانستان و بویژه عراق، اوضاع اقتصادی کشورهای خلیج فارس، بار دیگر دچار تحول شد. پس از این یورش، بهای نفت در بازارهای جهانی سخت افزایش یافت و در سال ۲۰۰۵ به گونه بی سابقه به بالای ۷۰ دلار رسید و کشورهای عضو اوپک، از جمله کشورهای منطقه خلیج فارس را واداشت تا با همه توان به تولید نفت بپردازند.

جدول ۲- مقدار واردات نفت از خلیج فارس و حوزه کاراییب تا سال ۲۰۲۰

(میلیون بشکه در روز)

ایالات متحده آمریکا		کل دنیا		
۲۰۲۰	۱۹۹۵	۲۰۲۰	۱۹۹۵	حوزه
۳/۸	۱/۸	عراق	۴۱/۸	خلیج فارس
۳/۹	۲/۲	۶	۴/۲	کاراییب

منبع: (Cordesman, 1999, 12-14)

جدول ۳- مقدار صدور نفت از مناطق عمده جهان، در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۲۰

(میلیون بشکه در روز)

سال	خلیج فارس	آفریقای شمالی	آفریقای غربی	آمریکای جنوبی	آسیا	دریای شمال	حوزه کاراییب	FSU	کشورهای غیر اوپک
۱۹۹۵	۱۵/۴	۲/۳	۲/۸	۲/۶	۰/۷	۴/۶	۴/۲	۲/۶	۲/۶
۲۰۲۰	۴۱/۸	۲/۷	۲/۳	۴/۳	۰/۳	۴/۸	۶	۵/۶	۳/۸

منبع: International Energy Outlook, 1998

۱۹۹۵-۲۰۰۰ رسید. در سالهای انتهایی قرن بیستم، افت قیمت نفت، باعث وارد آمدن زیانهای اقتصادی فراوانی بر کشورهای صادرکننده نفت- از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس- شد. این موضوع، باعث انسجام مجدد اوپک و تصمیمگیری برای نظارت و کنترل بیشتر بر قیمت نفت شد. پس از رویدادهای یازده سپتامبر و آغاز حملات ایالات متحده به افغانستان و بویژه عراق، اوضاع اقتصادی کشورهای خلیج فارس، بار دیگر دچار تحول شد. پس از این یورش، بهای نفت در بازارهای جهانی سخت افزایش یافت و در سال ۲۰۰۵ به گونه بی سابقه به بالای ۷۰ دلار رسید و کشورهای عضو اوپک، از جمله کشورهای منطقه خلیج فارس را واداشت تا با همه توان به تولید نفت بپردازند. هر چند در مورد دلایل اصلی این گرانی یکباره نفت، استدلالهای زیادی شده است، با این حال؛ دلیل آن هر چه باشد، این گرانی فوق العاده نفت باعث سرازیر شدن مقادیر فراوانی دلارهای نفتی به کشورهای منطقه شد که می تواند برای سرمایه گذاری بیشتر در فعالیتهای زیربنایی به کار گرفته شود.

۳- سیاست کشورهای قدرتمند در خلیج فارس**۳-۱- ایالات متحده آمریکا**

نومحافظه کاران ایالات متحده، معتقدند که بایستی

حمایت حکومتهای غربی از عراق همراه شد- باحمله عراق به کویت تکمیل شد و این دو حادثه تکانه های شدیدی به اقتصاد نفت وارد کرد. متعاقب این درگیریها، ایالات متحده که بی بهانه بی برای حضور هر چه پررنگتر در منطقه خلیج فارس بود، در این منطقه حضور یافت. و با این حضور خود، زمینه دخالتهای فراوان در امور کشورهای منطقه- بویژه عراق را که یکی از بزرگترین دارندگان انرژی دنیاست- فراهم کرد.

نزدیک به یک دهه مجازاتهای جنگی، عراق را تحت فشار مجازاتهای مختلف و رژیم بازرسی قرار داد و صادرات و واردات آن را کنترل کرد، که باعث شد تا این کشور به لحاظ سیاسی منزوی و به لحاظ اقتصادی فلج شود. قبل از حمله اوت ۱۹۹۰ عراق به کویت، تولید نفت عراق- که از جنگ ایران و عراق بهبود یافته بود- در جولای به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسید. در حالی که، بعد از حمله عراق به کویت و ممنوعیت صادرات نفت عراق، تولید نفت عراق به سیصد هزار بشکه در روز کاهش یافت (Cordesman, 1999: 207). اثر تحریمهای سازمان ملل متحد بر تولید نفت عراق بسیار چشمگیر بوده و نوسانات زیادی را بر تولید نفت وارد کرد، به طوری که، تولید نفت عراق از ۲/۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۰ به ۶۰۰ هزار بشکه در فاصله سالهای

○ خلیج فارس تا آینده قابل پیش بینی، همچنان تأمین کننده بی‌رقیب انرژی کشورهای خاور دور خواهد بود و این کشورها هم که در حال تبدیل شدن به قدرتهای جهانی هستند، می‌توانند این منطقه را در زمره مناطق حیاتی خود قرار دهند تا در آینده شاهد حضور هر چه بیشتر این کشورها در مقام بازیگران خارجی در منطقه خلیج فارس باشیم.

۳/۶ تریلیون متر مکعب برآورد شده، که با استخراج ۵۵۰ میلیارد تن متر مکعب در سال، تنها برای ۶/۵ سال کافی است. بنابراین، قابل پیش بینی است که بزودی ایالات متحده مجبور خواهد شد تا ۱/۴ میلیارد تن نفت وارد کند، که بیشتر از کل عرضه جهانی فعلی آن (۱/۲-۱/۱ میلیارد تن) است (Maximenko, 1997:5). علاوه بر نیاز به انرژی، امریکا برای اینکه موقعیت خود را به عنوان ابرقدرت جهان حفظ کند، سخت به دنبال این است که تجارت جهانی نفت؛ با برتری دلار ادامه پیدا

در سرتاسر جهان حضور گسترده و همه گیر داشت. از نظر اینان، انزوگرایی در هر شکل آن نکوهیده است و آمریکا تنها از طریق به عهده گرفتن مسوولیت جهانی می‌تواند تسهیلگر اشاعه آزادیها و ارزشهای آمریکایی از قبیل سرمایه‌داری گردد (دهشیار، ۱۳۸۲: ۸۸). اما، سیاستها و استراتژیهای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، متأثر از دو عامل؛ دسترسی به منابع انرژی و بویژه نفت و دیگری، مساله اسرائیل است. برخی از اعضای دولت بوش، نفت را به عنوان غنیمت جنگی می‌دانند و با همین استدلال به عراق حمله کردند. زیرا، عراق بر خلاف افغانستان، کشوری ثروتمند با منابع غنی نفت و قادر به تأمین هزینه‌های بازسازی خود است (Monshipouri, 2004: 573). ژنرال زینی، در سال ۱۹۹۹ در کنگره ایالات متحده گفته بود: «نفت عراق از جمله منافع حیاتی بلندمدت ایالات متحده محسوب می‌شود». وی، همچنین اظهار داشته بود؛ ایالات متحده می‌باید دسترسی آزاد به منابع منطقه خلیج فارس داشته باشد. (فیلد، ۱۳۸۱: ۱۳۵). با توجه به گزارش آماری شرکت نفت آموکو بریتیش؛ در سال ۱۹۹۹ کمتر از ۳ میلیارد تن نفت در ایالات متحده قرار دارد که چنانچه سطح برداشت ۳۷۰ میلیون تن در سال حفظ شود، ممکن است نهایتاً ۸/۵ سال دیگر باقی بماند. این در حالی است که ذخایر گاز ایالات متحده

جدول ۹- میانگین مقدار تولید نفت در کشورهای منطقه خاورمیانه در دهه ۹۰

(هزار بشکه در روز)

سال	الجزایر	ایران	عراق	کویت	لیبی	قطر	عربستان	امارات
۱۹۹۰	۱/۱۷۵	۳/۰۸۸	۲/۰۴۰	۱/۱۷۵	۱/۳۷۵	۴۰۶	۶/۴۱۰	۲/۱۱۷
۱۹۹۱	۱/۲۳۰	۳/۳۱۲	۳۰۵	۱۹۰	۱/۴۸۳	۳۹۵	۸/۱۱۵	۲/۳۸۶
۱۹۹۲	۱/۲۱۴	۳/۴۲۹	۴۲۵	۱/۰۵۸	۱/۴۳۲	۴۲۳	۸/۳۳۲	۲/۲۶۶
۱۹۹۳	۱/۱۶۲	۳/۵۴۰	۵۱۲	۱/۸۵۲	۱/۳۶۱	۴۱۳	۸/۱۹۸	۲/۱۵۹
۱۹۹۴	۱/۱۸۰	۳/۶۱۸	۵۵۳	۲/۰۲۵	۱/۳۷۸	۴۱۵	۸/۱۲۰	۲/۱۹۳
۱۹۹۵	۱/۲۰۲	۳/۶۴۳	۵۶۰	۲/۰۵۷	۱/۳۹۰	۴۴۲	۸/۲۳۱	۲/۲۳۳
۱۹۹۶	۱/۲۴۲	۳/۶۸۶	۵۷۹	۲/۰۶۲	۱/۴۰۱	۵۱۰	۸/۲۱۸	۲/۲۷۸
۱۹۹۷	۱/۲۷۷	۳/۶۶۴	۱/۱۸۷	۲/۰۸۳	۱/۴۴۶	۶۴۹	۸/۵۶۲	۲/۳۱۶
۱۹۹۸	۱/۲۴۶	۳/۶۳۴	۲/۱۵۰	۲/۰۸۵	۱/۳۷۸	۶۹۶	۸/۳۸۹	۲/۳۴۵
۱۹۹۹	۱/۲۳۳	۳/۷۱۴	۲/۵۶۱	۱/۹۵۱	۱/۳۵۰	۷۱۸	۸/۰۲۸	۲/۲۴۵

جدول ۵- مقدار تقاضای جهانی انرژی در سالهای مختلف

(میلیون بشکه در روز)

نوع انرژی	۱۹۷۰	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
نفت	۹۷/۸	۱۳۴/۹	۱۴۲/۵	۱۵۷/۸	۱۷۶/۳	۱۹۵/۵	۲۱۵/۳	۲۳۷/۳
گاز	۳۶/۱	۷۲	۷۸/۱	۸۴/۸	۱۱۳/۸	۱۳۳/۳	۱۵۲/۵	۱۷۴/۲
انرژی هسته‌ای	۰/۹	۲۰/۳	۲۳/۳	۲۴/۷	۲۵	۲۴/۹	۲۳/۲	۲۱/۳۲

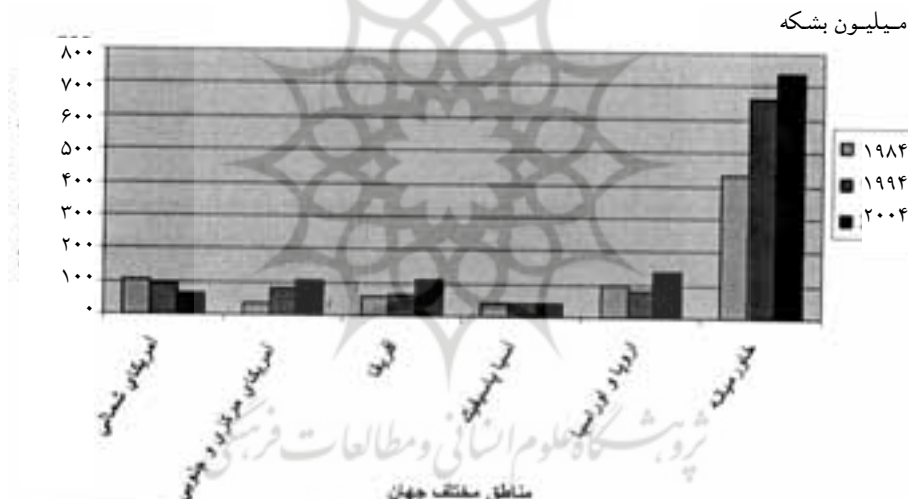
مأخذ: (Cordesman, 1999 p:2)

جدول ۶- مقدار نیاز به انرژی کشورهای اروپا در سالهای مختلف (Quadrillion BTU)

ناحیه جغرافیایی	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
اروپای غربی	۱۵/۲	۱۲/۴	۱۲/۶	۱۳/۵	۱۵/۱	۱۶/۳	۱۷/۵	۱۸/۷
اروپای شرقی	۶۰	۶۲/۳	۶۴	۶۷/۶	۷۱/۳	۷۴/۶	۷۷/۹	۸۱/۵

مأخذ: (Cordesman, 199:27)

نمودار شماره ۲: ذخایر تثبیت شده نفت جهان در سالهای ۱۹۸۴-۱۹۹۴-۲۰۰۴



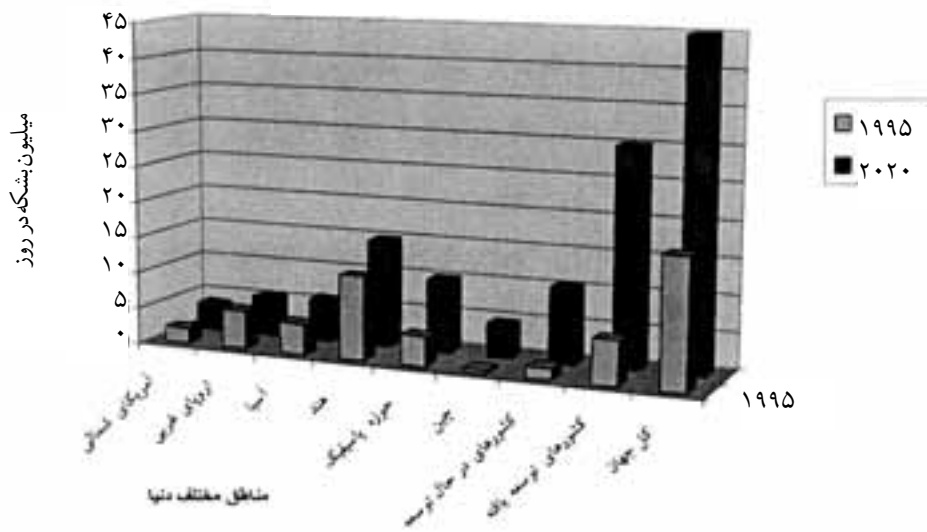
در این منطقه حتمی است.

۲-۳- اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا، پس از ۱۱ سپتامبر، به دنبال تحکیم موقعیت خود در نظام بین الملل و تبدیل به یک قدرت عمده (قطب) بین المللی است. این اتحادیه، در پی آن است تا علاوه بر قدرت اقتصادی، به عنوان قدرتی سیاسی و نظامی هم در سطح بین الملل ظاهر شود و بر این اساس، به باز تعریف روابط منطقه‌یی و آتلاتیکی خود بپردازد. اما، این اتحادیه، در مسایل اخیر منطقه

کند. لازمه این امر، داشتن موضعی قاطع در درگیریهای تجاری و در مسیربایی لوله‌های نفت و گاز از منبع استخراجشان است. با در نظر گرفتن دلایل فوق، حضور سیاسی، اقتصادی و حتا نظامی آمریکا در همه نقاط دنیا، توجیه شده و لازم می‌نماید. به همین سبب، ایالات متحده، با پیش کشیدن موضوعاتی همانند خاورمیانه جدید، تروریسم، حقوق بشر و غیره، به هر بهانه‌یی، به دنبال حضور در منطقه خلیج فارس است و تا زمانی که منابع انرژی منطقه تمام نشود، حضور آمریکا

نمودار شماره ۳- پیش بینی مقدار مصرف نفت دنیا در سالهای آینده



می خواهد رقم زند و به گونه ای کشورهای اروپایی را کنترل کند. این اختلاف نظر ژرف میان این دو بلوک قدرت، می تواند سر آغاز یک نبرد قدرت پنهان در منطقه باشد، که پیامدهای آن تا سالها در این منطقه وجود خواهد داشت. این مسأله، با توجه به کاهش شدید منابع نفت در سایر نقاط جهان و بویژه در اروپا، اهمیت بیشتری یافته است و رقابتها برای دستیابی به این ماده حیاتی تا آینده قابل پیش بینی، وجود خواهد داشت.

۳-۳- روسیه

فدراسیون روسیه، که خود را وارث امپراتوری شوروی سابق می داند، علاقمند است تا در رده بندی هر نوع بازسازی نظام بین المللی، دنیا نقش ممتازی برایش قایل شود. گرچه، وجود معضلات اقتصادی، تا حدود زیادی دست و پای مسکورا برای عرض اندام در روابط بین المللی بسته است. با وجود این، کرملین هنوز خود را یکی از دو ابر قدرت می داند که باید در معادلات بین المللی و شکل گیری ساختار نوین جهانی، به ایفای نقش بپردازد (آقایی، ۱۳۷۵: ۷۸).

در دوران جنگ سرد، کشور شوروی در منطقه خلیج فارس حامی کشور عراق بود که آن زمان در وضعیت رقابت با ایران و عربستان قرار داشت. همین

خلیج فارس موضع واحدی اتخاذ نکرد. چنانکه؛ کشورهای فرانسه و آلمان- به همراه روسیه- به شدت مخالف جنگ عراق بودند و کشورهای انگلستان، ایتالیا و اسپانیا- به همراه چند کشور کوچک دیگر- موافق جنگ بوده، حتا، نیروهای خود را نیز در این جنگ دخالت دادند. در حال حاضر، به نظر می رسد اختلافات اقتصادی و سیاسی بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا ایجاد شده است. یک گروه از این اختلافات، مربوط به رقابت دو پول جهانی- یورو و دلار- است و گروه دوم و شاید اساسی ترین گروه اختلافات بین اروپا و آمریکا، به طور واقعی، مربوط به تفاوت موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک امریکای شمالی و اروپای غربی در جنگ بر سر منابع طبیعی کره زمین و فراتر از همه اینها، ذخایر نفت و گاز در اغلب کشورهای توسعه یافته است که به سرعت، رو به تمام شدن می رود.

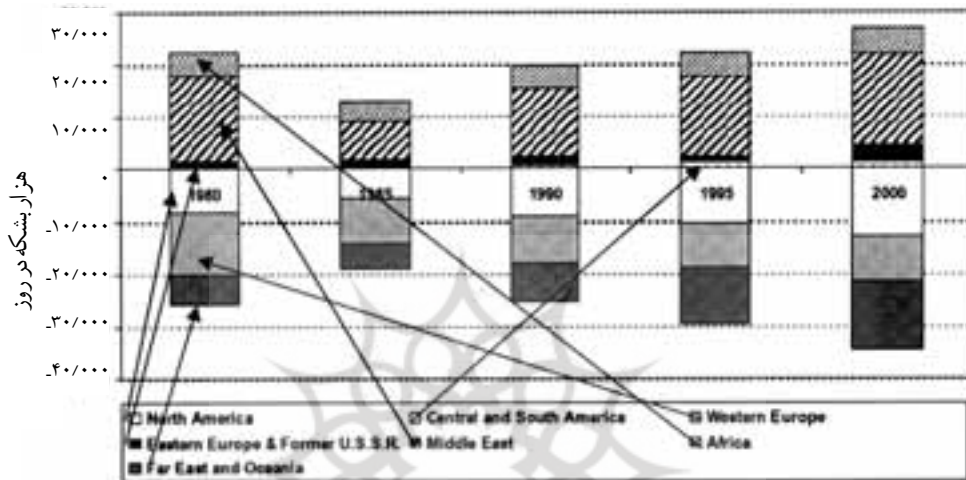
اختلاف بر سر موضوعات گوناگون، در جریان جنگ اخیر عراق نیز خود نمایی کرد و روسیه، فرانسه و آلمان با جنگ مخالفت کردند. یکی از مهمترین دلایل پنهان این مخالفتها، این است که کشورهای اروپایی نمی خواهند ایالات متحده به تنهایی بر این منطقه تسلط یابد و بدین سان بتواند آینده منطقه را آنچنان که خود

جدول ۷- مقدار نیاز به انرژی کشورهای صنعتی شرق آسیا در سالهای مختلف (Quadrillion BTU)

ناحیه جغرافیایی	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
چین	۲۷	۳۶/۴	۳۷/۱	۴۳/۶	۵۵	۶۷/۶	۸۴/۸	۹۸/۳
استرالیا	۴/۹	۵/۶	۵/۵	۵/۹	۶/۲	۶/۵	۶/۸	۷/۱
ژاپن	۱۸/۱	۲۰/۸	۲۱/۴	۲۰/۴	۲۳/۳	۲۴/۴	۲۵/۶	۲۶/۵

مأخذ: (Cordesman, 1999,27)

نمودار شماره ۶- توازن انرژی جهان در سالهای مختلف



مأخذ: International Energy Annual Report

عراق، و یوگسلاوی)، مقامات روسیه را بر سر انتخابهای دشواری قرار داده است (کرمی، ۱۳۸۲: ۴۲). در حال حاضر، پس از ناکامیهای روسیه در دو دهه اخیر، به نظر می‌رسد که این کشور با تجدید نیرو، به دنبال به دست آوردن جایگاه از دست رفته خود در منطقه خواهد بود. طبق برآوردهای بانک جهانی، کشور روسیه ۱۰ درصد ذخایر نفت و ۴۰ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد (کمپ ج ۲، ۱۳۸۳: ۳۶۱). بنابراین، با وجود آنکه ممکن است در حال حاضر عراق جذابیت‌های ژئواکونومیک لازم را برای روسیه نداشته باشد، اما، رقابت‌های حیثیتی و ژئواستراتژیک این کشور با سایر قدرت‌ها و بخصوص ایالات متحده، همچنان خلیج فارس برای این کشور جذاب است و روسیه تحولات این منطقه را با حساسیت ویژه و به منظور حضور هر چه موثرتر در این منطقه دنبال می‌کند.

رقابت دو ابر قدرت - که با حمایت از کشورهای تحت امر خود نمود یافته بود - در سالهای پس از جنگ سرد نیز ادامه یافت و با وجود اعمال تحریم‌های سازمان ملل، روسیه همچنان از کشور عراق حمایت می‌کرد. در حال حاضر نیز، علیرغم فروپاشی حکومت صدام، روسیه به لحاظ رقابت‌های ژئواستراتژیک و مسایل حیثیتی، همچنان علاقه‌مند به حضور در منطقه خلیج فارس است. بستن قرارداد‌های گوناگون اقتصادی در سالهای اخیر با کشور عراق، حکایت از همین تمایل تاریخی روسیه دارد.

در سالهای آغازین قرن ۲۱، سیاست خارجی جدید روسیه همواره با ابهام و سردرگمی روبرو بوده است. تلاش برای پیوستن به غرب، گسترش روابط با دولتهای شرقی (چین، هند و کره شمالی) و حفظ پیوندهای سنتی و تقویت آن، پیوندها با متحدان پیشین (سوریه، لیبی،

۳-۴- شرق دور؛ چین و ژاپن

اهمیت فزاینده نفت و گاز خلیج فارس و دریای مازندران برای ژاپن، چین و هندوستان، با ظهور این کشورها در مقام بازیگران قدرتمند صحنه جهانی همراه است. قطعاً، هر سه این کشورها، در حال یافتن نقش مهمی در صحنه دیپلماسی انرژی خاورمیانه هستند و در مورد چین و هند، می‌توان شاهد توسعه نقشهای امنیتی آنها بود (کمپ ج ۱، ۱۳۸۳: ۱۷). با تجدید صنعتی شدن ژاپن - که پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد - این کشور تقاضاهای زیادی برای نفت ایجاد کرد. توسعه بصرها - کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور - نیز منجر به افزایش تقاضای نفت در جنوب شرقی آسیا شد، که نفت آنها غالباً به وسیله خاورمیانه تأمین می‌شود. به طور کلی، رشد اقتصادی چین به تنهایی مهمترین عامل افزایش تقاضای جهانی نفت و مواد خام است و عرضه را بیشتر کرده و موجب افزایش قیمت‌ها شده است. جدول شماره ۷، نیاز انرژی کشورهای عمده شرق آسیا را نشان می‌دهد. آمارها، بخوبی نشان‌دهنده افزایش روزافزون نیاز شرق آسیا و بویژه چین به انرژی در دو دهه آینده است. زیرا، نیاز این کشور تا سال ۲۰۲۰ تقریباً دو برابر می‌شود و در چنین شرایطی، سیاستهای تأمین انرژی این کشور قطعاً دچار تغییر خواهد شد.

طبق گزارش چشم‌انداز بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۹۵، حجم واردات نفت چین از خلیج فارس ۰/۴ میلیون بشکه در روز بوده است که در سال ۲۰۲۰، به ۴/۶ میلیون خواهد رسید. در سال ۱۹۹۸، بیشترین مقدار نفت وارداتی شرق آسیا و ژاپن به ۵۰۰ میلیون تن از خلیج فارس تأمین می‌شده است، که این مسأله نیز تأییدی بر اهمیت بی‌بدیل خلیج فارس در تأمین انرژی کشورهای شرق آسیا است. به این ترتیب، خلیج فارس تا آینده قابل پیش‌بینی، همچنان تأمین‌کننده بی‌رقیب انرژی کشورهای خاور دور خواهد بود و این کشورها هم که در حال تبدیل شدن به قدرتهای جهانی هستند، می‌توانند این منطقه را در زمره مناطق حیاتی خود قرار دهند تا در آینده شاهد حضور هر چه بیشتر این کشورها در مقام بازیگران خارجی در منطقه خلیج فارس باشیم.

جمع‌بندی و نتیجه

نمودار شماره (۴)، تعادل انرژی را در دو دهه آخر قرن بیستم نشان می‌دهد. آمارهای به‌دست آمده از مؤسسات گوناگون نیز که در فوق به آنها اشاره شد، نشان می‌دهد که این روند در سالهای آینده (حداقل دو دهه آینده) ادامه خواهد داشت و چنانچه این پیش‌بینی‌ها تحقق یابد، اهمیت بینظیر منطقه بیش از پیش خواهد بود.

در چنین شرایطی، حضور قدرتهای فرامنطقه‌یی در خلیج فارس واقعیت پیدا خواهد کرد. هر کدام از قدرتهای فرامنطقه‌یی، خواهان حق و سهمی در معادلات انرژی منطقه است و در این میان، ایالات متحده - که در سالهای اخیر بیشترین هزینه‌ها را در این منطقه متقبل شده است - بزرگترین قدرت فرامنطقه‌یی و بزرگترین مدعی خواهد بود. ایالات متحده، می‌خواهد به خاطر نفت بر این منطقه کنترل داشته باشد. اما، نه به دلایل کاملاً اقتصادی، بلکه، علاوه بر همه موارد گفته شده، چون می‌خواهد مطمئن باشد که اروپا، آسیا و حتی روسیه، نخواهند توانست از این منابع نفتی استفاده کنند، مایل است که کنترل این منطقه را در اختیار داشته باشد. چنین حادثه‌یی در جریان جنگ جهانی دوم نیز اتفاق افتاد؛ در سال ۱۹۴۲، آلمان به باکو حمله کرد تا کنترل منابع نفتی را به دست آورد که برای تلاشهای جنگی بسیار حیاتی بود. سایر کشورها و قدرتها نیز چنین اهدافی را در سر می‌پروراندند و کشورهای منطقه باید در همه برنامه‌ها و سیاستهای کلان آینده خود، حضور و رقابت قدرتهای فرامنطقه‌یی را در نظر داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران، که در برنامه‌های بلندمدت خود پیش‌بینی کرده تا در ۲۰ سال آینده به قدرت اول منطقه‌یی دست یابد، لازم است که در همه برنامه‌ریزیهای میان‌مدت و بلندمدت خود این واقعیت‌های مسلم را در نظر داشته باشد و با اتخاذ سیاستهای واقع‌گرایانه‌یی که همه ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی را دربرداشته باشد، بهترین راه رسیدن به اهداف را انتخاب کند.

۱. میلیون بشکه در روز. هر بشکه برابر با ۴۲ گالن آمریکایی یا ۱۵۹ لیتر است.